

چالش‌های حقوقی دکترین استیفاء حق در نظام حقوق مالکیت فکری

سعید حبیبیا *

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

زهرا شاکری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۲/۲۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۴/۱۷)

چکیده:

با پذیرش دکترین استیفاء حق، چالش‌های حقوقی متعاقب آن نیز بروز خواهد کرد زیرا که تاکنون این دکترین نسبت به دنیای محصولات فیزیکی و با لحاظ مفهوم سنتی آن در منع تولید و تکثیر محصولات توسط خریداران و بقای حقوق مالکان فکری تعریف شده است. اما امروزه ظهور دنیای دیجیتال، تمایل مالکان فکری به انعقاد قراردادهایی به غیر از بیع و عدم تعهد بین‌المللی به اعمال دکترین و... همه چیز را دستخوش تغییر می‌نماید در این مقاله سعی می‌شود تاثر تحولات جدید در اجرای دکترین بررسی شده و چشم اندازی از آینده دکترین به تصویر کشیده شود.

واژگان کلیدی:

دکترین استیفاء حق - محیط دیجیتالی - دکترین استیفاء حق دیجیتالی - فناوری زیستی.

Email: habiba@ut.ac.ir

فاکس: ۶۶۴۹۷۹۱۲

* نویسنده مسئول

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر شده از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایانی این مقاله نگاه کنید.

مقدمه

دکترین استیفاء حق (The Exhaustion of Rights) به یکی از محدودیت‌ها و استثناهای مهم که بر حقوق مالکیت فکری وارد می‌شود، می‌پردازد. نخستین بار که یک محصول حمایت شده از طریق حقوق مالکیت فکری توسط مالک یا با رضایت وی در بازار به فروش می‌رسد، استیفاء حقوق مالکان آن اعلام می‌گردد و این بدان معنا می‌باشد که مالک فکری دیگر نخواهد توانست بر بهره‌برداری‌های تجاری بعدی، نظارت یا کنترل داشته باشد و خریداران می‌توانند آزادانه به فروش، اجاره یا دیگر عقود بپردازند. در واقع، حق مالکان فکری در باب توزیع محصولات فکری در جامعه و نظارت بر مسیر تجاری آنها از طریق تعیین بهای فروش، اجاره بها و... خاتمه می‌یابد و از این هنگام به بعد خریداران آتی خواهد توانست آزادانه (با اعمال مالکیت سنتی خود) با تعیین شرایط معاملات آتی، به رقابت با یکدیگر پرداخته و جامعه را نیز از مزایای بی‌بدیل رقابت آزاد منتفع نمایند و دسترسی عموم به محصولات فکری را برای شهروندان به ارمغان بیاورند.

این دکترین در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی اجرا می‌گردد و کشورها بنا به ملاحظات ملی خود یکی از سطوح را گزینش می‌نمایند، یکی از مسائل مهم در این ارتباط بحث واردات موازی است زیرا که اگر سطح ملی پذیرفته شود، واردات موازی از خارج مرزها ممنوع می‌گردد اما اگر سطح جهانی پذیرفته شود، نخستین فروش در هر جای جهان به حقوق مالکان فکری خاتمه داده و واردات موازی از سرتاسر جهان مجاز می‌گردد.

آنچه همواره باید مدنظر قرار داد، این است که اگرچه استیفاء حق اعلام می‌گردد اما سایر حقوق انحصاری مالکان فکری از جمله ساخت و یا تکثیر مجدد همچنان پابرجا بوده و مالک فکری خواهد توانست آزادانه به اعمال حقوق انحصاری خود بپردازد. معنای حقیقی دکترین نیز در همین نکته است که خود می‌تواند شکلی از چالش‌های حقوقی را مطرح سازد.

اما آنچه تاکنون رایج بوده، اعمال دکترین نسبت به کالاهای مادی و فیزیکی است اما امروزه با ظهور حوزه‌های نوین همه چیز دستخوش دگرگونی گشته، شما می‌توانید در فضای دیجیتال محصولات خود را عرضه کنید و در آن فضا به انعقاد عقود گوناگون بپردازید. لذا بحث تسری اعمال دکترین در فضای دیجیتال از چالش‌های مهم است که در این مقاله به آن می‌پردازیم. همچنین در بعضی از زمینه‌ها مانند فناوری زیستی، خصیصه‌های ویژه آن حوزه می‌تواند در معنای دکترین مداخله نماید و از علم حقوق خواستار حل مشکل باشد زیرا که در این زمینه‌ها چاره‌ای جز تولید و تکثیر مجدد نیست. از طرفی مالکان فکری برای رهایی از اعمال دکترین سعی دارند تا با پیش‌بینی شروطی، اعمال دکترین را تحت الشعاع قرار دهند و یا آنکه به جای انعقاد عقد بیع از سایر عقود بهره‌گیرند تا از انطباق عنوان بیع و سرانجام اعمال

دکترین جلوگیری نمایند. از طرفی عدم وفاق جهانی در الزام‌آور شدن دکترین و گزینش سطح جغرافیایی آن، بحثی مهم را در باب آینده دکترین و مرگ تدریجی آن فراروی علمای حقوق مطرح می‌کند. از این رو، این مقاله سعی دارد به مسائل و مشکلات مرتبط با اعمال دکترین بپردازد.

۱- اعمال دکترین در حوزه‌های نوین

الف- محیط دیجیتال

در دیدگاه سنتی، دکترین تنها نسبت به کالاهای فیزیکی (Goods) اعمال می‌گردد اما اکنون از گذشته‌های دور بسیار فاصله گرفته‌ایم و اوضاع جدید و مدرنی فرا روی همه ما است. آنچه که امروز رایج گشته، کاربرد و بهره‌گیری از محیط‌های دیجیتالی و تحویل برخط (On-Line) است که با اقبال عمومی گسترده به شبکه جهانی اینترنت روبرو شده و توانسته خود را به عنوان روشی زنده و کاربردی به اثبات برساند.

این روزها هر کسی می‌تواند وارد اینترنت گردد و فایل‌های صوتی را به صورت برخط سفارش داده و خریداری نماید و یا نرم‌افزارهای مختلف (مانند Real Player) را (دانلود شده) دریافت کند یا با پرداخت مبلغی، یک فیلم را به صورت زنده مشاهده نماید. متأسفانه چارچوب قانونی خاصی برای توسعه‌ی این روش‌ها وجود ندارد و این در حالی است که چنین معاملات و تعاملاتی در عرصه دیجیتال بسیار معمول گشته است. در جامعه اطلاعاتی که فن آوری نوین، تکثیر کامل و نامحدود آثار را فراهم می‌آورد و سرعت توزیع در شبکه بسیار بالاست، دغدغه‌های زیادی مطرح می‌شود و این پرسش وجود دارد که چگونه می‌توان در ضمن حمایت از مالکان فکری، منافع مصرف کنندگان، جامعه و بالاخره جریان رقابت آزاد را تأمین کرد؟، آنچه که باید بدان پرداخت، آن است که دکترین استیفاء حق چگونه در چنین محیطی تحقق می‌یابد؟ یا چگونه می‌توان دکترین را در محیط دیجیتال مدیریت نمود؟

ماده ۴ دستورالعمل اتحادیه اروپا درباره‌ی حمایت از برنامه‌های کامپیوتری (۹۱/۲۵۰ مصوب ۱۴ می ۱۹۹۱)، ماده C ۵ دستورالعمل اتحادیه اروپا درباره‌ی حمایت از پایگاه داده‌ها (۹۶/۹ مصوب ۱۱ مارس ۱۹۹۶)، ماده ۴ دستورالعمل اتحادیه اروپا درباره‌ی هماهنگ‌سازی جنبه‌های مختلف مالکیت فکری و حقوق مرتبط در جامعه اطلاعاتی اتحادیه اروپا (۲۰۰۱/۱۹) مصوب ۲۲ می ۲۰۰۱) اذعان می‌دارند، وقتی که محصول حمایت شده از طریق حقوق مالکیت فکری در قالب سی دی یا... در بازار اتحادیه، از طریق مالک یا با رضایت او عرضه شود، حق مالک، خاتمه یافته، اعلام می‌گردد و این بدان معنا است که گردش این محصولات در جامعه‌ی اروپایی از طریق مالک محدود نمی‌شود. به عبارت دیگر، دکترین در اتحادیه اروپا تنها نسبت

به نسخه‌های فیزیکی اعمال می‌گردد (Yves Goubiac, 2002.p.3). براساس حرکت آزاد کالا، واردات موازی در سرتاسر جامعه مجاز است اما این مالک می‌تواند در برابر واردات موازی از کشورهای ثالث به منظور حمایت از بازار داخلی مخالفت نماید (Case Microsoft, 1999).
 بحثی که مطرح می‌گردد آن است که عملاً بین یک سی دی حاوی اثر ادبی و یک کتاب از نظر اعمال دکترین استیفاء حق، تفاوتی وجود ندارد. ماده 6-122 L مجموعه قوانین مالکیت فکری فرانسه بیان می‌کند، وقتی از طریق مولف یا با رضایت وی، نخستین بیع نسخه‌ای از نرم افزار در قلمرو یک عضو اتحادیه یا دول عضو جامعه اقتصادی اروپا انجام می‌شود، حق مولف به استثناء حق اجاره دادن بعدی آن نسخه استیفاء می‌شود. در دستورالعمل اتحادیه اروپا آمده است که «نخستین بیع یک نسخه از یک برنامه از طریق ذی حق یا با رضایت او، به حق توزیع او در اتحادیه اروپا به استثناء حق کنترل روی اجاره‌ی بعدی برنامه یا نسخه‌ی آن خاتمه می‌دهد». (دستورالعمل ۹۱/۲۵۰ مصوب ۱۴ می، ۱۹۹۱، O.J. L. ۱۲۲/۴۲). کمیسیون اروپا به صراحت بیان می‌کند که دکترین تنها نسبت به نسخه‌های از برنامه‌ها یعنی کالاهای فیزیکی اعمال می‌شود. دستورالعمل اتحادیه در مورد پایگاه داده‌ها نیز از ساختار دستورالعمل اتحادیه در مورد نرم‌افزار پیروی می‌کند، (دستورالعمل ۲۰۰۱/۲۹ مصوب ۲۲ می، ۲۰۰۱، ۱۶۷/۱). لذا آنچه که در اینجا بدیهی می‌باشد، این است که دکترین تنها در باب آثار فیزیکی رخ می‌دهد نه دیجیتالی.

پرسشی که می‌تواند مطرح گردد آن است که چرا دکترین مذکور تنها باید نسبت به نسخه‌های فیزیکی اعمال شود، در اینجا چند دلیل قابل تامل مطرح است:

۱- بهره‌برداری بر خط از آثار، به صورت «خدمات» ارزیابی می‌شود یعنی در عرصه‌ی دیجیتالی عملاً یک سرویس مستقیم به مشتریان ارائه می‌گردد و استیفاء حق نسبت به خدمات اعمال نمی‌گردد.

۲- البته آنچه به نظر به عنوان دلیل قویتر در باب عدم اعمال دکترین می‌آید آن است که مالکان نرم‌افزارها به شدت با اعمال دکترین در عرصه‌ی دیجیتال مخالف‌اند و اعتقاد دارند تهیه غیرمجاز نسخه از فایل‌ها، با طرح دکترین، به گستردگی افزایش می‌یابد (www.unesdoc.unesco.Org). اساساً دکترین نسبت به نسخه‌ها و محصولاتتی که به طور قانونی تهیه شده‌اند اعمال می‌گردد ولی اگر نسخه‌ای بدون اجازه مالک فکری کپی گردد، بی تردید مجالی برای طرح دکترین وجود نخواهد داشت.

۳- در نسخه‌های مادی اثبات مالکیت آسان است و تصرف، اماره مالکیت است اما در نسخه‌های دیجیتالی، متصرف باید زنجیره‌ی کامل مالکان و متصرفان را ترسیم نماید و اگر فقط یک زنجیره خالی باشد، موقعیت نامطلوبی برای متصرف فعلی رخ خواهد داد. اگر یکی از واسطه‌ها، نسخه خود را حفظ نماید، این سوال مطرح می‌گردد که مالک حقیقی کیست و چه کسی مصرف کننده‌ی غیرقانونی می‌باشد؟

لذا تحت تأثیر چنین عواملی است که صریحاً در دیباچه دستورالعمل ۲۰۰۱/۲۹/EC اروپا اعمال دکترین در باب خدمات برخط استثناء می‌گردد. اگر چه اروپا معتقد به عدم اعمال دکترین در باب نسخه‌های دیجیتالی است اما آمریکا معتقد به اعمال استیفاء حق در مورد نسخه‌های دیجیتالی می‌باشد، هرچند در ماده ۱۰۹ قانون مالکیت فکری آمریکا و دیگر مواد مرتبط به نسخه‌های مادی و فیزیکی تصریح می‌گردد اما به نحو گسترده‌ای این دکترین در باب نسخه‌های دیجیتالی اعمال می‌شود. به گونه‌ای که دپارتمان تجارت آمریکا، اداره ارتباطات و اطلاعات (National Telecommunications and Information Administration (NTIA)) و دفتر مالکیت فکری آمریکا بر این مطلب صحه می‌گذارند، البته به نظر می‌آید در نحوه‌ی اجرای دکترین اجماع وجود نداشته باشد و دفتر مالکیت فکری آمریکا اعلام کرده، دکترین نخستین فروش زمانی اعمال می‌گردد که خریدار هیچ کپی یا نسخه‌ای را برای خود حفظ ننماید (www.Loc.gov) یعنی اینکه، باید نسخه خویش را از بین برد و سپس انتقال را انجام دهد. در چنین حالتی است که خاتمه‌ی حق مالک اولیه اعلام می‌گردد. اما آنچه که واقعیت دارد، آن است که آمریکا معتقد به "digital exhaustion" می‌باشد و این همان مسئله‌ای می‌باشد که اروپا آن را رد نموده است. نتیجه این اختلاف چنین است: اثر دیجیتالی که فروخته می‌شود و به صورت برخط دریافت و دانلود می‌گردد، در چهارچوب دکترین اولین فروش آمریکا قرار می‌گیرد اما تابع دکترین استیفاء حق اروپا نیست. این مسئله سبب می‌شود که بین دو بازار پیشرفته فناوری اطلاعات اختلاف وجود داشته باشد و هر یک از بازارهای اروپا و آمریکا، مدل تجارتي خاص خود را در عرصه شبکه جهانی داشته باشند.

در اینجا مفید فایده است که اشاره نمایم اعمال دکترین استیفاء حق در باب آثار دیجیتالی (تحویل آن لاین) از سوی طرفداران حقوق مصرف کنندگان، به طور جدی حمایت می‌گردد زیرا با وجود مزایایی که در باب سرعت انتقال، هزینه پایین و... در انتقال دیجیتالی وجود دارد، اگر قرار باشد تحویل دیجیتالی برخط، حقوق مصرحه در حالت آف لاین (Of-Line) را برای آنها فراهم نکند، آنها نیز از روی آوردن به چنین عرصه‌ای خودداری خواهند کرد. آنچه که لازم است متذکر شود آن است که نباید به سرعت حکم به عدم اعمال

دکترین در عرصه تحویل بر خط داد، این مطلب که «استیفای حق» به دنیای آف لاین‌ها تعلق دارد و در محیط آن لاین جایی ندارد، چندان صحیح به نظر نمی‌آید، حقوق مالکیت فکری باید همانند گذشته یک خود جوشی از بطن خویش را آشکار سازد و این مشکل را حل نماید، در گذشته نیز ظهور آثار جدید و محصولات نوین دغدغه‌هایی را در باب حقوق مالکیت آنها مطرح می‌ساختند اما این حقوق مالکیت فکری بود که سعی در حل داشت، لذا حقوق مالکیت فکری می‌تواند با اعمال مفاهیم جدید و لحاظ پیشرفت‌های نوین در عرصه فناوری، مشکلات را حل نماید.

به هر حال اثری که به نحو بر خط عرضه می‌شود با اثری که به صورت فیزیکی مانند یک کتاب، ابزار، سی دی و... ارائه می‌شود تفاوتی ندارد و همه‌ی این آثار محصول تراوشات ذهنی مالکان فکریشان می‌باشند و تنها فرق در تجسم خارجی آنها است به گونه‌ای که یکی به صورت کتاب در دستانتان قرار می‌گیرد و آن را ورق می‌زنید و می‌خوانید و دیگری مقاله‌ای ادبی یا فیلم سینمایی است که به صورت آن لاین روی نمایشگر رایانه مشاهده می‌نمایید. همچنین نمی‌توان از مزایای اعمال دکترین استیفای حق برای مصرف کنندگان صرف نظر نمود زیرا که با همه‌ی جذابیت‌های بالقوه محیط دیجیتالی اینترنت، اگر قرار بر آن باشد که حقوق انحصاری مالک در بعد نظارت و کنترل بعدی روی محصولات ادامه یابد، عملاً مصرف کنندگان از گرد این عرصه‌ی نوین متفرق خواهد شد.

اما به هر حال آنچه که امروز مطرح می‌گردد آن است که حتی در اروپا هم گرایش به سوی پذیرش، «استیفای حق دیجیتالی» وجود دارد و این دیدگاه رو به گسترش است که تأثیر دکترین استیفای حق به محیط ارائه اثر بستگی ندارد (www.unesdos.unesco.org).

به نظر می‌رسد که اعمال دکترین استیفای حق در محیط دیجیتال مهم‌تر از اعمال آن نسبت به کالای فیزیکی باشد زیرا که محیط دیجیتال با امکانات فوق العاده خود چه در زمینه فنی (مثلاً ارائه اثر در مدت محدود یا قابل استفاده بودن یک محصول تنها بر روی رایانه اصلی که دانلود را انجام داده) یا قراردادی می‌تواند به تولد انحصاری مضاعف منجر گردد و لذا اعمال دکترین در این فضا می‌تواند همه چیز را به گذشته بازگرداند. به عبارت دیگر این اعتقاد شکل گرفته که انتقال آثار در محیط دیجیتالی، به ایجاد انحصار به گونه‌ای نوین کمک می‌کند، پس باید این انحصار که در شکل جدیدی، متولد شده، به گونه‌ای از جمله اعمال دکترین استیفای حق تحت کنترل در آید. اگر خریداران آثار که آن را به صورت دانلود شده در اختیار دارند، قادر باشند با حذف اثر و انتقال کامل اثر به دیگران، این دکترین را به تحقق برسانند (www.bc.edu)، آن هنگام بازارهای دوم و سوم فروش متبلور می‌شوند و رقابت حیات تازه‌ای می‌یابد.

ب- فناوری زیستی

مالک فکری دارای حق انحصاری در تولید، فروش، تکثیر، واردات و... محصولات فکری خویش است و با اتکا بر این حق خود قادر است مانع از هرگونه استفاده، فروش، تکثیر و به طور کلی هر نوع بهره‌برداری از سوی دیگران گردد، در این میان استیفاء دکترین استیفاء حق، در عرصه حقوق مالکیت فکری مداخله‌ای را انجام می‌دهد، و مطلعی جدید را رقم می‌زند، وقتی بیعی به طور مثال پیرامون یکی از مصادیق اختراعی صورت گرفت، مالک فکری از آن پس حقی در باب کنترل و نظارت روی مسیر تجاری آن محصول و توزیع مجدد آن کالا در بازار ندارد، و این مالک جدید است که تصمیم می‌گیرد آن محصول را بفروشد، اجازه دهد و...، مالک جدید نیک می‌داند اگر چه نبض حیات اقتصادی محصول از این به بعد در دستان او است اما او هرگز نمی‌تواند به حقوق انحصاری دیگر مالک فکری مثل تولید یا تکثیر تعرضی کند، او قادر نیست که مانند آن محصول را بسازد یا تکثیر نماید.

یکی از دستاوردهای جدید دانش بشری، فناوری زیستی است که به مدد بهبود کارکرد ارگان‌های زنده و امثال آن می‌پردازد و در غایت امر به رفاه اجتماعی منجر می‌گردد. محصولات ناشی از فناوری زیستی هستند، به گونه‌ای می‌باشند که استفاده از آن محصولات، بسیاری از اوقات با تولید مجدد و تکثیر آن همراه بوده و این در حالی می‌باشد که تولید و تکثیر از حقوق انحصاری مالکان اولیه این محصولات است، در این شرایط بعضی از قوانین، استفاده غیرمحدود از محصولات تولیدی این عرصه را مقرر می‌نماید (Transgenic Animal Patent Act of 1989 In U.S.A)، اما قوانین مالکیت فکری آنها را ناکارآمد می‌کنند.

آنچه که مسئله‌ساز می‌باشد، این است که بسیاری از کیفیت‌های ارگان‌های زنده دارای ظرفیت تکثیر شدن و استعمال چندگانه از اجزاء ارگان‌ها می‌باشد و این مسئله با حق انحصاری مالک در چالش است، از طرفی نیز دکترین استیفاء حق وجود دارد که با نخستین فروش یک محصول، خاتمه‌ی حق مالک را اعلام می‌نماید. در این جا توجه به این مطلب لازم است که گاه مالکان حقوق مالکیت فکری یکی از مصادیق تولیدی خویش را بفروش می‌رساند (مانند آنکه مخترع نمونه‌ای از یک محصول خود را بفروشد) و گاه حق مالکیت فکری خویش بر آن را انتقال می‌دهد، در حالت اخیر منتقل‌الیه، دارای کلیه حقوق انحصاری مالک فکری است و می‌تواند به طور مثال در بهره‌برداری از محصولات فن آوری زیستی به تولید مجدد یا تکثیر آن اقدام نماید اما اگر یک خریدار تنها مالکیت بر یکی از مصادیق محصولات ناشی از فن‌آوری زیستی را بدست آورد، هرگونه تکثیر یا تولید مجدد او، مغایر با حق انحصاری مالک فکری می‌باشد. (گاهی اوقات نیز مالکان فکری طی قرارداد مجوز بهره‌برداری، حق ساخت یا تکثیر محصولات را به مجوز گیرنده اعطا می‌نمایند. در این حال

هرگونه تکثیر یا ساختی که از سوی مجوز گیرنده انجام شود با اعتراض مالک فکری روبرو نخواهد شد). بعضی اوقات نیز به صورت تلویحی اجازه تولید مجدد یا تکثیر وجود دارد. در دعوی *آدامز و بروک* (Case 84 u.s.453.1873) دادگاه در رای خود می‌آورد: وقتی یک ماشین یا ابزاری به فروش می‌رسد که تنها ارزشش در استفاده‌ی از آن است، خریدار می‌تواند از آن استفاده نماید و مالک اولیه نمی‌تواند محدودیت ایجاد کند یا وقتی که در گذشته حق استعمال از اختراعی کسب شده و حال اختراع دچار اشکال گشته، حق تعمیر به موازات کسب حق استعمال قابل تصور است، البته در اینجا تعمیر نباید مستلزم تولید محصول باشد.

حق تولید و ساخت مهم‌ترین حق مالک فکری است و حتی پس از انجام بیع پیرامون یک نمونه یا نمونه‌هایی از محصول فکری و دریافت ما به ازاء عادلانه، مالکان فکری حق تولید مجدد و توسعه محصولات خود را دارند لذا هر کس که حتی پس از بیع، محصول را بسازد، متجاوز است و به حق انحصاری مالک تعدی کرده، از طرفی تولید مجدد محصولی که در اختیار خریدار است، هیچ‌گاه عنصر ضروری در استفاده و بهره‌برداری از آن محصول نبوده است لذا هیچ دادگاهی، اجازه ضمنی برای تولید را لحاظ نمی‌کند.

اما در عرصه‌ی بیوتکنولوژی این مورد قابل بحث است زیرا در محصولات ناشی از فناوری زیستی، بسیاری از اوقات، تولید مجدد و تکثیر نیاز اساسی است و در اینجا این پرسش مطرح می‌گردد که آیا اجازه ضمنی نسبت به تکثیر وجود دارد؟ فناوری زیستی، تکنیکی است که با دخل و تصرف در ارگانسیم‌های زنده یا بخش‌هایی از آن، به اصلاح و یا تولید محصولات جدید و مفید برای رفاه بشری می‌پردازد. (در بحث حق اختراع مرتبط با محصولات بیوتکنولوژی بحث‌های زیادی بوده است اما آنچه رایج می‌باشد، پذیرش حق اختراع در این حوزه است و به طور کلی هیچ اصل قانونی یا مواد قانونی مانعی بر سر راه ثبت محصولات ناشی از فن آوری زیستی در بهره‌مندی از حق اختراع نمی‌باشد).

برای روشن شدن بحث، شما کشاورزی را تصور نمایید که می‌خواهد با استفاده از دستاورد ناشی از فن آوری زیستی، سطح تولیدات خود را ارتقاء دهد، او در این راه ناگزیر از تکثیر نمونه‌ای است که از مالک اولیه خریده، اما اگر این کشاورزان و افرادی مانند آنها به تکثیر روی آورند، آنها به رقیبان مالکان فکری مبدل می‌گردند لذا ممکن است مالکان فکری تصمیم بگیرند به خریداران خرد و کوچک نفروشدند و تنها حاضر به معامله با شرکت‌های بزرگ و در ازای مبالغ گزاف باشند.

بحث اعمال دکتترین در بیوتکنولوژی روشن نیست زیرا تا حال آنچه مطرح بوده، استفاده از محصولاتی است که امکان تکثیر در آنها ضروری نبوده اما اکنون با محصولاتی روبرو هستیم که اگر قادر به تکثیر و تولید مجدد آنها نباشیم، عملاً خرید این محصولات بی‌فایده و

پوچ می‌گردد. از طرفی اگر حق تکثیر را برای خریداران قائل شویم، خریداران رقیبان آینده مالکان فکری امروز می‌شوند و این امر سبب کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری در این زمینه علمی می‌گردد.

شما تصور نمایید یک مالک فکری از طریق علم فناوری زیستی، ارگانوسمی را برای شبیه‌سازی آماده می‌کند، این محصول که نمونه‌ای از ثمرات ناشی از تراوشات ذهنی او است در یک فروش در ازاء مبلغی به خریدار واگذار می‌شود، اگر در چنین حالتی خریدار نتواند به تکثیر سلول نمونه پردازد عملاً این خرید او منفعتی در بر نخواهد داشت، زیرا اساساً این خرید به این جهت انجام شده که با تکثیر محصول نمونه در شرایط آزمایشگاهی، موجودی در سطح بالاتر تولید شود. (www.Ideapiercelaw. Edu)

به نظر می‌آید باید وضعیت عملی چنین قراردادهایی لحاظ شود و از منافع معامله حمایت گردد، حتی اگر لازم باشد حق اضافه‌ای در نظر گرفته شود، پس در مطالعه پرونده‌های مرتبط با بیوتکنولوژی باید توجه شود که اگر ارزش محصول تنها در تکثیر و تولید مجدد آن است، چنین اجازه ضمنی نیز لحاظ شود، یعنی با اولین فروش محصول ناشی از فن آوری زیستی، خریدار علاوه بر حق فروش، اجازه و... محصول، حق تولید مجدد را نیز داشته باشد، در این حال باید توجه کرد حق مالک اولیه در باب اعتراض به ساخت مجدد محصول توسط خریدار خاتمه می‌یابد، پس می‌توان نتیجه گرفت که در این قراردادها لحاظ اوضاع جدید مهم است و پذیرش تغییرات، درک دغدغه‌های نوین خواهد بود.

۲- قراردادهای و راه‌های حقوقی گریز از دکترین

الف- قراردادهای اجازه بهره‌برداری (لیسانس)

مالکان فکری با حسابگری و نکته‌سنجی به دنبال راهایی از دکترین هستند و از این رو سعی می‌نمایند که شرایط تحقق دکترین را با چالش روبرو نمایند. شاید نخستین مسئله آن است که از انطباق عنوان عقد بیع بر معامله‌ای که با طرف قرارداد منعقد می‌کنند، جلوگیری نمایند. به طور مثال مالکان آثار دیجیتالی از قراردادهای اجازه بهره‌برداری برای توزیع آثارشان بهره می‌برند و به این ترتیب قادرند محدودیت‌هایی را بر مجوزگیرندگان که به نحو قانونی نسخه‌ای از اثر را تحصیل کرده، اعمال نمایند (The the United Stated of Amarica, 2002. p.20 Library Associations)

لذا به انعقاد قراردادهای اجازه بهره‌برداری و روش‌های مشابه آن روی آورده تا از اعمال دکترین استیفاء حق بگریزند، در این جا است که این سوال مطرح می‌گردد که قراردادهای مالکان فکری با مصرف کنندگان به گونه‌ای که اعمال دکترین استیفاء حق را تحت تأثیر قرار دهد، به چه میزان نافذ است؟

در حال حاضر، انعقاد قراردادهای اجازه بهره‌برداری، تهدیدی عظیم علیه دکترین است و شاید دور از ذهن نباشد که با ادامه چنین وضعیتی، مرگ تدریجی دکترین فرا خواهد رسید. امروزه، اغلب مالکان از قراردادهای مجوز بهره‌برداری استفاده می‌کنند و کمتر کسی است که به انعقاد عقد بیع راغب گردد، در چنین حالتی مالکیت مالکان حقوق مالکیت فکری حفظ می‌شود و طرف قرارداد تنها حق استفاده را خواهد داشت و اگر چه او متصرف نسخه‌ای از اثر است، اما مالک نیست و نمی‌تواند از حق مالکیت و اقتدار متعاقب آن بهره‌برداری بلکه ناگزیر است که همواره در زیر ذره بین مالک قرار گیرد، در چنین شرایطی او قادر نیست هر گونه عقدی را در باب محصول فکری بدون اجازه مالک انجام دهد و اگر تخلفی نماید، یک متجاوز به حق مالک فکری است.

ب- بیع‌های منضم با شرط

از طرف دیگر بیع‌های سنتی خرده‌فروشی، هیچ شرط یا شرایط صریح بین خریدار و فروشنده نداشتند و تابع مقررات بیع کالا و حکومت قوانین مالکیت فکری بودند اما در قراردادهای جدید، اوضاع دگرگون شده است و از قراردادهای کلیک رپ (Click wrap or Shrink-wrap) به گونه‌ی گسترده استفاده می‌شود. در چنین وضعیتی تا وقتی که خریدار شروط مالکان فکری را نپذیرد، خبری از دسترسی به اثر و انتقال نسخه‌ی اثر نخواهد بود. در این قراردادها یک مالک فکری شروط مختلفی از جمله عدم انتقال نسخه‌ی اثر از طریق بیع یا اجاره را - پس از آن که توسط طرف قرارداد دریافت شد - می‌گنجانند. اگر شما بخواهید در محیط دیجیتالی یک نرم افزار مورد نظر خود را بخرید ابتدا باید به طور کامل تمام شرایط مالک اولیه را قبول نمایید و اگر تنها در پذیرش یک شرط تردید نمایید از دستیابی به اثر محروم می‌گردید، شما باید گزینه من موافقم را کلیک نمایید تا محصول را در تصرف خود داشته باشید.

ج- ارزیابی قراردادها

آنچه که در این قراردادها مطرح می‌باشد، این است که این قراردادها مانند هر قرارداد دیگر در دایره حقوق خصوصی و آزادی حکومت اراده‌ها انعقاد یافته‌اند و شاید این تصور را فراهم آورد که هرگونه شرطی در این قراردادها نافذ است اما در این میان، حقوق مالکیت فکری، حقوق رقابت، حقوق مصرف‌کنندگان و به طور کلی مسائل مربوط به نظم عمومی وجود دارند که در قضیه تأثیر گذار هستند. به طور مثال در آمریکا، هرگونه استفاده از محدودیت‌های قراردادی که به صورت ایجاد توانایی برای مالکان فکری جهت مداخله در

آینده اقتصادی آثارشان باشد، با مجازات‌های کیفری و مسئولیت حقوقی روبرو می‌گردد (www.arl.org).

همواره باید در نظر داشت که انعقاد قراردادهایی با شکل مجوز بهره برداری به جای بیع یا بیع‌های با شروط گوناگون در معرض نقادی است. گروهی از دادگاه‌ها تقدم را به قرارداد خصوصی طرفین یعنی قرارداد اجازه بهره‌برداری یا بیع مشروط می‌دهند و گروهی دیگر موضع مخالفی دارند مثلاً در یک پرونده موسوم به «سافتمون»، دادگاه بخش فدرال در کالیفرنیا و تگزاس رأی داد، در قراردادی با این وصف یعنی قراردادی که ظاهراً به صورت اجازه بهره‌برداری منعقد شده و متضمن شروط محدود کننده‌ی بیع مجدد می‌باشد، عملاً عقد بیع انعقاد یافته است و دکترین نخستین فروش اعمال می‌شود، به عبارت دیگر از نظر این دادگاه، برخلاف ظاهر قرارداد، آن معامله، عقد بیع ارزیابی می‌شود. اما در سال ۲۰۰۴ در دعوی موسوم به «دیویدسون» دادگاه ایالت میسوری آمریکا در رأی خود آورد، در این قرارداد، طرف قراردادی با کلیک روی جمله «من قبول دارم» شروط قرارداد را پذیرفته و ملزم به آن است و لذا این یک عقد بیع نمی‌باشد پس جای برای طرح دکترین باقی نمی‌ماند (Softmon.. v. Adobe & Davidson and Associatonsi.v. Internet (Gncateway Inc.2001

به هر حال هنوز در دنیای کنونی اختلاف نظر وجود دارد اما آنچه همه اتفاق نظر دارند این است که الزام آور شدن قراردادهایی با فراهم کردن شرایط محدودکننده می‌تواند آینده دکترین را به چالش کشاند.

۳- آیا دکترین چهره‌ی امری دارد؟

قوانین و مقررات حقوقی امری هستند یا تکمیلی مسئله استیفاء حق مالکان فکری نیز از این حوزه خارج نیست، بعضی از اوقات دکترین به میزانی در نظر قانون‌گذار از اهمیت برخوردار است که شهروندان مجاز نیستند برخلاف آن تراضی نمایند و از آن تخلف کنند به طور مثال جایی که تجارت آزاد به صورت اصل تخطی ناپذیر مورد پذیرش واقع شده، نباید در امری بودن آن تردید داشت، در چنین وضعیتی، گنجاندن شروط برخلاف دکترین در قراردادها با حکم بطلان روبرو می‌شود.

اما اگر دکترین چهره تکمیلی داشته باشد، توافق طرفین قرارداد برخلاف آن نافذ خواهد بود، به طور مثال در جایی که یک کشور اقتصاد نسبتاً بسته‌ای دارد به نظر می‌آید که چهره تکمیلی وجود دارد.

به هر حال تمیز امری یا تکمیلی بودن از حیث تشخیص درستی یا فساد معاملات از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و لذا دادرس باید با ملاحظه ساختار و وضعیت

اقتصادی، سیاسی و حقوقی جامعه، اراده مقنن را احراز کند و همواره باید توجه کرد که ضابطه‌های ثابتی برای این کاوش وجود ندارد و عوامل مختلف مانند حقوق رقابت، حقوق مصرف‌کننده یا تحولات در وضعیت اقتصادی، عضویت در معاهدات جهانی و الزام‌آور شدن تعهدات بین‌المللی می‌تواند همه چیز را دستخوش تغییر نماید. سرانجام آنکه باید گفت لازم است مورد به مورد در هر پرونده بررسی کارشناسانه صورت گیرد تا نتیجه روشنی حاصل شود.

۴- عدم وفاق جهانی

هنوز هیچ معاهده‌ای که اعمال دکترین را الزام آور نماید، وجود ندارد و کشورها هر کدام بنا به ضرورت‌های ملی خود به پیش بینی دکترین و سطح جغرافیایی آن اقدام می‌نمایند. در ذیل به جایگاه دکترین در میان چند معاهده جهانی اشاره کرده و سپس به وضعیت فعلی کشورها در قالب یک طبقه‌بندی می‌پردازیم:

الف- کنوانسیون پاریس (The Paris Convention, 1883)

در این کنوانسیون اصطلاح «Exhaustion» به کار نرفته و شاید بتوان گفت اساساً مفهومی از این دکترین نیز دیده نمی‌شود. اما مطابق با بند ۳ از ماده ۶ کنوانسیون که می‌گوید: علامتی که در یکی از کشورهای اتحادیه طبق قانون به ثبت رسیده است نسبت به علائم ثبت شده در سایر کشورهای اتحادیه و منجمله کشور مبدأ، مستقل تلقی خواهد شد، می‌توان به برجسته بودن جنبه‌ی سرزمینی مالکیت فکری پی برد. همچنین در ماده ۱۰ مکرر که بحث رقابت نامشروع را مطرح می‌کند می‌توان این‌گونه استنباط کرد که با اتکا بر آن از واردات موازی جلوگیری نمود و لذا واردات موازی را به لحاظ ایجاد شبهه یا تخریب اعتبار و... ممنوع ساخت. اما دوباره باید تأکید کرد که بعید است تدوین کنندگان این کنوانسیون با طرح چنین موادی در پی تبیین استیفای حق باشند و تنها باید اشاره داشت که این دو ماده مشابهت‌هایی با بحث استیفای حق (به ویژه سطح ملی) و واردات موازی دارد.

ب- کنوانسیون برن (The Berne Convention, 1886)

حقوق اعطا شده در کنوانسیون برن چهره‌ی سرزمینی دارد و مقررات این کنوانسیون بر رفتار ملی تأکید می‌نماید، در این میان می‌توان به ماده ۱۶ در ارتباط با توقیف نسخه‌های که حقوق مالکیت فکری مالکانشان نقض شده‌اند و ضرورتاً، به عنوان نسخه‌های متجاوز در کشوری که از آنجا وارد می‌شوند، نیستند، بند ۳ ماده ۱۳ در باب توقیف آثار صوتی وارد شده

(بدون اجازه) از کشوری دیگر که در آنجا براساس مجوز اجباری تولید شده‌اند و ماده (a) (۴) ۴ درباره‌ی ممنوعیت صادرات نسخه‌هایی که براساس مجوز اجباری ترجمه یا تکثیر شده‌اند (که می‌تواند به واردات منجر شود) اشاره داشت که به گونه‌ی تلویحی به حق نخستین عرضه می‌پردازد (Gervais, 2003, p.113). لذا به نظر می‌رسد شاید بتوان استیفاء حق ملی و مخالفت با واردات موازی از خارج از مرزهای سرزمینی را استنباط نمود اما به هر حال باید دانست که در هیچ جایی این کنوانسیون صریحاً به دکترین استیفاء حق اشاره نشده است و مسائل فوق، تحلیلی است که ممکن است، طرح گردد.

ج- معاهده راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) (Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Right Agreement 1994)

معاهده سعی دارد بین دو اصل تجارت آزاد و حمایت از حقوق مالکیت فکری موازنه ایجاد کند (Bronckers, Marco C.E.J. 1998, p.144) لذا در راستای آن، موضوع استیفاء حق و واردات موازی در طول مذاکرات دور اروگوئه در میان گروه‌های مذاکره‌کننده (TRLPS Negotiating Group) بررسی شد. این امر نشانگر آن است که استیفاء حق مسئله مهم و قابل تأمل می‌باشد و از طرفی تفاوت دیدگاه بسیاری در آن وجود دارد. با این که بحث‌های مفصلی در طول مذاکرات صورت گرفت اما توافقی حاصل نشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت ماده ۶ توافقی برای عدم توافق است (Bronckers, Marco C.E.J. 1998, p.142) و ماده ۶ فعلی موافقت‌نامه تریپس، نه تعریفی از استیفاء حق را ارائه می‌کند و نه الزامی در باب اعمال آن و نیز گزینش آن را به اعضا واگذار می‌کند. ماده ۶ مذکور به این شرح است:

از لحاظ حل و فصل اختلافات تحت موافقت‌نامه حاضر، با عنایت به مقررات مواد ۴ و ۳، هیچ چیز در این موافقت‌نامه برای رجوع به مسأله استیفاء حقوق مالکیت فکری مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.

از ماده فوق نکاتی قابل استخراج است:

- اساساً موافقت‌نامه تریپس به جنبه‌های تجاری مالکیت فکری می‌پردازد و لذا محمل برجسته‌ی آن در قراردادهایی است که موضوع مالکیت فکری دارند مثلاً تصور نمایید قراردادی منعقد گردد که موضوع آن فن آوری حمایت شده‌ای است، در این حال ممکن است بین طرفین یا بین طرفین و ثالث اختلافاتی پیرامون آن بروز نماید مانند آن که ثالثی به واردات همان محصولات به قلمروی ممنوعه در قرارداد اقدام نماید یا آن که طرف قرارداد، محصولات متضمن آن فناوری را به بهای گزاف‌تر از بهای مورد توافق طرفین (در قرارداد اولیه) به فروش برساند (در دست دوم) و... همه‌ی این موارد می‌تواند بستر اختلافات و احياناً طرح دعوی

متعاقب را فراهم آورد، به گونه‌ای که اساساً مسئله‌ی استیفای حق، کلید حل معما باشد، از این رو است که عبارت آغازین ماده می‌گوید: «از لحاظ حل و فصل اختلافات...»

۲ - «از لحاظ حل و فصل اختلافات تحت موافقت نامه حاضر...» به این مطلب اشاره دارد که اختلافات مطروحه می‌تواند ریشه‌ای در خود مقررات تریپس داشته باشند مثلاً بحث‌های پیرامون حرکت آزاد کالاها، اثرات منفی مالکیت فکری در تجارت و... را مرور نمایید، خواهید دید که می‌تواند محملی برای اختلاف باشد لذا یکی از اعضا می‌تواند بیان کند استیفای ملی حق ناسازگار با موافقت نامه تعرفه و تجارت (GATT.1994) است.^۱

بطور کلی چون موافقت‌نامه تریپس به استیفای حق به عنوان حلقه‌ی مفقوده‌ی تجارت آزاد و حقوق مالکیت‌های فکری نپرداخته، همواره این امکان مطرح است تا با اتکا به اصول پذیرفته شده در تریپس مباحث متنوعی مطرح گردد به گونه‌ای که عده‌ای به استیفای حق ملی یا منطقه‌ای معتقد گردند و عده‌ای مدافع استیفای حق بین‌المللی شوند.

۳- عبارت مذکور در شماره‌ی ۲ همچنین نشانگر آن است که حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، مانع از طرح دعوی در محاکم ملی نیست و لذا ممکن است دعاوی مرتبط با مسئله استیفای حق در دادگاه‌های کشورهای عضو مطرح شود. (مفهوم مخالف عبارت آغازین ماده ۶ موافقت‌نامه تریپس)

۴ - کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی هیچ تعهدی برای پذیرش نظام خاصی از استیفای حق ندارند و لذا آزادی اعضا در این مسئله حفظ می‌گردد و می‌توان شاهد رفتارهای متنوعی از کشورهای مختلف بود، نتیجه این خواهد بود که اعضا می‌توانند تفاسیر متعددی از موافقت‌نامه تریپس در مسئله استیفای حق ارائه دهند مثلاً یکی از اعضا با استناد به ماده ۲۸ موافقت‌نامه تریپس (حق جلوگیری از واردات بدون اجازه)، استیفای ملی حق مالکیت فکری را در قوانین خود بگنجانند.

۵- رعایت اصل رفتار ملی و دولت کامله الوداد در این ماده مدنظر است. به طور مثال کشور آمریکا نمی‌تواند استیفای حق بین‌المللی را برای اتباع خود به اجرا در آورد و اتباع خارجی را از آن محروم سازد و تنها به استیفای ملی حق اکتفا نماید یا آن که برخلاف اصل دولت کامله الوداد رفتار نماید و امتیاز استیفای حق را در باب یکی از اعضا سازمان تجارت جهانی قائل گردد و دیگر اعضا را محروم نماید.

۱. هیچ ممنوعیت یا محدودیتی ... نباید ایجاد یا حفظ گردد.

به عبارت دیگر، می‌توان گفت، هنگامی که کشوری سطح بالاتری از سطح ملی استیفاءی حق را می‌پذیرد، باید آن را در مورد سایر اعضا اجرا کند (Silvia Zarpellon, 2001, pp.382-389). لذا در این راستا نمی‌توان شاهد هیچ تبعیضی بود (Kees Jan Kuilwijk, 1999, pp.292-298). در اجلاس نوامبر/ دسامبر ۲۰۰۱ در «دوحه» قطر این مسئله صریحاً بیان شد و در خاتمه با صدور اعلامیه نهایی مقرر گردید (www.belipo.Bz):

«اجرای مقررات تریپس در مورد اعمال دکترین به عهده هر عضو نهاده می‌شود تا آن عضو آزاد باشد در این مورد بدون ایراد به اصول رفتار ملی و شرط دولت کامله الوداد، رژیم خود را برقرار سازد». لذا در حال حاضر، نمی‌توان به اعمال نظام ویژه‌ای که از سوی تریپس پیشنهاد می‌شود، پرداخت، زیرا با صراحت اعلامیه‌ی دوحه، این بحث روشن می‌گردد.

در معاهدات دیگر جهانی مانند "معاهده حقوق مالکیت ادبی و هنری"، "معاهده حمایت از مجریان و آثار صوتی" و "معاهده جنبه‌های مالکیت فکری طرح مدارهای الکتریکی یکپارچه" (The Copyright Treaty, 1996(WCT) & The Performances and Phonograms Treaty, 1996(WPPT) & The Treaty on Intellectual Property in Respect of Integrated Circuits, 1989 (IPIC)

نیز از رویکرد معاهده تریپس پیروی شده و به بحث آزادی اعضا اشاره گشته است به طور مثال ماده ۶ معاهده مالکیت ادبی و هنری بیان می‌دارد: هیچ چیز در این معاهده نباید آزادی اعضا را در تعیین شرایطی که تحت آن استیفاءی حق روی می‌دهد... بعد از نخستین بیع یا دیگر طرق انتقال مالکیت اثر اصلی یا نسخه‌هایی از اثر... تحت تأثیر قرار دهد.

حال که با موقعیت فعلی معاهدات جهانی آشنا شدیم به تشریح وضعیت کشورها

می‌پردازیم:

۱- بعضی از کشورها هنوز به انعکاس دکترین در قوانین ملی خویش نپرداخته‌اند و این امر به دلایل مختلف از جمله عدم آگاهی از این قاعده یا عدم ضرورت بوده است، مثلاً کشور چین به دلیل ارزانی نیروی انسانی و پایین بودن هزینه تولید با مسئله واردات موازی روبرو نبوده است اما با پیوستن به سازمان تجارت جهانی این امر به صورت چالشی مهم فرا روی این کشور قرار می‌گیرد لذا به نظر می‌آید چین یک دوره‌ی انتقال وضعیت را سپری می‌نماید (مانند قانون علائم تجاری چین مصوب ۱۹۸۳ و اصلاحی ۱۹۹۳ و ۲۰۰۱).

۲- تعدادی از کشورها علی‌رغم پیش بینی دکترین، به آن چهره تکمیلی داده‌اند مانند کشور

کانادا (Coca – Cola Bottling Ltd. v. Musaadiq and Phordham and Al, 1999).

۳- بعضی از کشورها تنها در بعضی از موضوعات حقوق مالکیت فکری به اعمال دکترین

می‌پردازند مانند استرالیا که در بخش علائم تجاری به بحث دکترین می‌پردازد (بند (۱) ماده

۱۲۳ قانون علائم تجاری مصوب ۱۹۹۵) اما در بخش حقوق مالکیت ادبی و هنری از این امر خودداری میکند(قانون حقوق مالکیت ادبی و هنری مصوب ۱۹۹۸).

۴- بعضی از کشورها به دکتربین چهره‌ی امری بخشیده‌اند و به نحو بسیار دقیق آن را در قالب قوانین مدون نموده‌اند مانند کشور سنگاپور که سطح جهانی اعمال دکتربین را پذیرفته و به صراحت اشعار می‌دارد که هرگونه محدودیت قراردادی در باب استیفای حق ممنوع است (مثال: بند ۳ ماده ۲۵ قانون مالکیت ادبی و هنری سنگاپور مصوب ۱۹۸۷ و اصلاحی ۱۹۹۰). در این رابطه همچنین می‌توان به اتحادیه اروپا اشاره داشت که مطابق قوانین اتحادیه در همه‌ی کشورهای عضو بایستی دکتربین در قوانین مالکیت فکری لحاظ گردد. همچنین می‌توان اشاره داشت که در اروپا، پارلمان و شورا تنها از سطح منطقه‌ای حمایت می‌نمایند (Anna Carboni, 2002.p10) و این سطح دارای چهره‌ی امری و تخطی ناپذیر می‌باشد (مانند ماده ۱۵ دستورالعمل EC/98/71 مصوب پارلمان و شورای اروپا در باب حمایت از طرح‌ها، ماده ۴ دستورالعمل EC/2001/29 پارلمان و شورای اروپا در باب هماهنگ‌سازی جنبه‌های خاص مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط در جامعه اطلاعاتی، ماده (C) ۵ دستورالعمل EC/96/9 پارلمان و شورای اروپا در باب حمایت از پایگاه داده‌ها و ...).

۵- بعضی کشورها ابداعاتی در بحث استیفای حق انجام داده‌اند مانند کشور برزیل که در قوانین خود بیان می‌دارد اگر نخستین بهره‌برداری مالک حق اختراع به صورت واردات آن محصول به برزیل باشد اشخاص ثالث هم حق واردات موازی دارند یا اینکه واردات موازی در طول مدتی که مجوز گیرنده (مجوز اجباری) اقدام به واردات می‌نماید، از سوی افراد ثالث مجاز است (مواد ۴۳، ۵۴ و ۶۸ قانون حق اختراع برزیل مصوب ۱۹۹۶).

۶- گاهی اوقات کشورها بعضی مصادیق خاص را از حوزه اعمال دکتربین استثناء میکنند مانند کشور کانادا که اعمال دکتربین در مورد کتاب را با چالش روبرو می‌کند (بند ۱ ماده ۲۷۰۱ قانون مالکیت ادبی و هنری مصوب ۱۹۹۴ و اصلاحی ۱۹۹۷) یا آمریکا که داروها را استثناء می‌کند (USC 38 d) ۲۱.

اکنون در می‌یابیم که در ارتباط با دکتربین استیفای حق وفاق جهانی حاصل نشده و این امر خود مبین آن است که چالشی مهم در مسیر اجرای دکتربین وجود دارد، از طرفی باید توجه کرد حتی پس از پذیرش دکتربین، اختلاف در سطح جغرافیایی اعمال آن مسئله‌ی اساسی دیگری است، در حال حاضر بسیاری کشورها سطح ملی اعمال دکتربین را پذیرفته‌اند و جمعی از کشورها مانند اعضای اتحادیه اروپا سطح منطقه‌ای را پذیرفتند و تنها تعداد معدودی از کشورها سطح جهانی را اعمال می‌نمایند (مانند آرژانتین و سنگاپور).

اکنون برای ملاحظه وضعیت متفاوت تعدادی از کشورها در زمینه اعمال دکترین در سطح جهانی جدول ذیل ارائه می‌گردد: علامت + به معنای آن است که این نظام در کشور مذکور اعمال می‌گردد و علامت - به معنای آن است که نظام جهانی در این کشور وجود ندارد.

نام کشور	نظام بین‌المللی استیفاء حق اختراع	نظام بین‌المللی استیفاء حق علائم تجاری
آرژانتین	+	+
استرالیا	+	+
برزیل	-	+
کانادا	+	+
مصر	-	-
فنلاند	-	-
فرانسه	-	-
آلمان	-	-
ژاپن	-	+
مکزیک	-	+
کره جنوبی	-	-
انگلیس	-	-
آمریکا	--	-
ونزوئلا	+	+

نتیجه

علی‌رغم اختلافات موجود در مسئله دکترین استیفاء حق، ضرورت‌های ناشی از تعاملات بین‌المللی، نیازهای اقتصادی و انتقال فناوری کمک خواهد کرد تا کشورها به تصریح این بحث در قوانین خود اقدام کنند. امروزه این دکترین به اصل مبدل شده است و رویکرد جدید کشورها در تغییر قوانین یا بازنگری در قوانین فعلی بازتاب آن است، به گونه‌ای که در قانون جدید حقوق مالکیت صنعتی ایران این بحث انعکاس یافته، در بند «۱» از قسمت ج ماده ۱۵ و بند ج ماده ۴۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری مصوب ۱۳۸۶

به این مضمون آمده است. حقوق ناشی از ثبت اختراع یا علائم در مواردی که کالا توسط مالک یا با توافق او در بازار ایران عرضه می‌شود، اعمال نمی‌گردد، صرفنظر از بررسی اشکالات وارد بر این مواد آنچه مهم می‌باشد، درک دغدغه‌های جدید در قانون نویسی نوین است و همه از حقوق انتظار دارند با پویایی خویش مسیر سعادت را هموار نمایند. این امر مسئله‌ای می‌باشد که مقتن ایرانی نیز از آن غافل نمانده است. به نظر می‌رسد که این مواد حداقل سطح اعمال دکترین استیفای حق (استیفای ملی) را مطرح می‌نمایند اما آنچه که قابل توجه می‌باشد، این است که این مواد عدم اعمال کلیه حقوق ناشی از ثبت اختراع یا علائم را شامل می‌شود و این در حالی است که استیفای حق تنها در باب حق واردات، فروش مجدد و به طور کلی بهره‌برداری‌های تجاری متعاقب از محصول است و اساساً به معنای آن نمی‌باشد که خریدار قادر است به تولید و ساخت آن محصول مبادرت بورزد، همچنین در این مواد تنها سخن از بازار ایران است و این در حالی می‌باشد که در آستانه عضویت در سازمان تجارت جهانی می‌بایست، توجه بیشتری به این مقوله می‌شد.

به نظر می‌آید در پذیرش نظام استیفای حق در حقوق ایران باید نکاتی را مورد توجه قرار داد: ۱- اگر نظام ملی استیفای حق در قوانین ایران انعکاس یابد، بی تردید مسیر واردات موازی از خارج به داخل مسدود می‌گردد و مالکان فکری که حقوق انحصاری خود را بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران کسب کرده‌اند از هرگونه واردات به داخل ممانعت به عمل می‌آورند، این گزینه می‌تواند ظاهراً به سود بازار ملی باشد. ۲- در صورت پذیرش نظام بین‌المللی استیفای حق، تحقق هر بیعی در سراسر جهان، خاتمه حق را به دنبال خواهد داشت و سبب می‌گردد واردات موازی از دورترین نقاط دنیا به ایران سرازیر گردد که در این رابطه به نظر می‌رسد بسیاری از خلاءهای داخلی تامین می‌شود. اما در حالت فقدان یک نظام تجارت آزاد جهانی، پذیرش نظام جهانی استیفای حق می‌تواند دردسرساز و مشکل آفرین باشد زیرا که سبب کاهش سرمایه‌گذاری در تولید علم و فن آوری نوین در ایران خواهد شد و تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران عرصه مالکیت فکری انگیزه‌ای جهت فعالیت آتی خود نخواهند داشت چون به درستی خواهند دانست که واردات موازی محصولات آنان، نزول قیمت ها و حتی کاهش در فروش یا لطمه به حیثیت و اعتبار آنان را در پی خواهد داشت.

همچنین اعمال دکترین در حوزه‌های جدید مانند دنیای دیجیتال از ضرورت‌های مهم است و نباید به سادگی از تامل در این حوزه گذشت، اکنون هنگامی است که اجرای دکترین می‌تواند راهگشای تعاملات دنیای امروز باشد، اگرچه باید توجه کرد تا دستیابی به آرمان شهری که همه چیز در خدمت رفاه بشری باشد، راه طولانی باقی است.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. قانون ثبت اختراعات طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری ایران، مصوب ۱۳۸۶

ب- خارجی

- 1- Agreement on Trade- Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS Agreement)1994.
- 2- Anna Carboni, "Trade Mark Exhaustion in Europe: The Story So Far", Allied and in Friendship for Teartse Schaper, London: Kluwer, 2002.
- 3- Bronckers, Marco C.E.J., The Exhaustion of Patent Rights Under WTO Law, Journal of World Trade.32(5): 1998.
- 4- Case Court of First Instance of The European Communities, 16 Dec, 1999 Microsoft, JCP 200 II 1037.
- 5- COCA - Cola Bottling Lt . V. Musaading and Phordham and al (99) (F.C.A. Court File No.A. 869.97.12 Apr. 1999).
- 6- Council Directive 87/54/EEC.
- 7- Council Directive 89/104/EEC.
- 8- Council Directive 91/25./EEC.
- 9- Council Directive 92/100/EEC.
- 10- Council Regulation (EC) No 2100/94.
- 11- Council Regulation (EC) No. 4./94.
- 12- Council Regulation (EC) No. 6/2002.
- 13- Directive 2001/29/EC of the European Parliament and the Council.
- 14- Directive 96/9/EC of the European Parliament and the Council.
- 15- Directive 98/71/EC of the European Parliament and the Council.
- 16- Gervais, Daniel, the TRIPS Agreement, Drafting History and Analysis, Second Edition, Sweet& Maxwell, London, 2003.
- 17- << [http://www.belipo.Bz/e-library/articles/TRIPS % 20 FIEXIBILITIE. Pd f](http://www.belipo.Bz/e-library/articles/TRIPS%20FIEXIBILITIE.Pdf)>.
- 18- <<<http://www.arl.org/info/Letters/dmcas.4000.html>>.
- 19- <[http.www.Loc.gov/copyright/reports/studies/dmca/sec104_eport_vol-1.pdf](http://www.Loc.gov/copyright/reports/studies/dmca/sec104_eport_vol-1.pdf)>.
- 20- <<http://www.idea.pierce.law.edu>>.
- 21- <<http://www.lawdit.co.uk>>.
- 22- <<http://www.unesdoc.unesco.org/images/0013/001397/139700E.pdf>> .
- 23- <[http://www.wikimedia foundation.org](http://www.wikimediafoundation.org)>.
- 24- <[httpwww.deapiercelaw.Edu/articles/35/35-3/9.chambaspdf](http://www.deapiercelaw.Edu/articles/35/35-3/9.chambaspdf)>.
- 25- Kees Jan Kuilwijk, "Parallel Imports and WTO Law: Some Thoughts after Silhouette", European Competition Law Review, 1999.
- 26- Silvia Zarpellon, "The Scope of the exhaustion Regime for Trade Mark Rights", European Competition Law Review, 22(9). 2001.
- 27- The Berne Convention (1886).
- 28- The Copyright Act R.S.C (985) 94 (Canada).
- 29- The Intellectual Property Code France(1992).
- 30- The Paris Convention(1883).
- 31- The Patent Act (1994), the Trademark Act (1938), the Design Act (1987) and the Copyright Act (1987) (Singapore).
- 32- The Treaty on Intellectual Property in Respect of Integrated Circuits (1989).
- 33- TheLibrary Associations in the United Stated of America, The Exhaustion of Cpyrights and The First sale Doctrine in the Digital Environment.Copyright Bulletin, Vol. XXXVI No.4, 2002.

- 34- U.S.C. (1930) and 15. U.S.C. , lanham Act (1946) and 17 U.S.C (1979).
 35- WIPO Performances and Phonograms Treaty (WPPT) 1996.
 36- WIPO Copyright Treaty (WCT) 1996.
 37- Yves Gaubiac, The Exhaustion of Rights in Analogue and Digital Environment ,
 Copyright Bulletin, Vol. XXXVI No.4, 2002.

از این نویسندگان تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«امکان صدور ورقه اختراعات بیوتکنولوژی و موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPS)»، سال ۸۲ شماره ۶۰، «نظام حق اختراع ایران پس از پذیرش موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPS)»، سال ۸۳ شماره ۶۶، «حمایت از دانش سنتی به عنوان یکی از اجزای حقوق مالکیت فکری» سال ۸۵ شماره ۷۲، «حمایت از دانش سنتی در عرصه ملی و بین‌المللی»، سال ۸۵ شماره ۷۲. «چالش‌های جدید حقوق مالکیت فکری» سال ۸۶ شماره ۴. «دکترین استیفاء حق در نظام حقوق مالکیت فکری»، سال ۱۳۸۷، شماره ۲.